

US Intelligence Assistance to Iran, May–October 1979

Mark Gasiorowski

Islamists were becoming increasingly powerful there and tensions were rising with the United States. This initiative began in May 1979, when Prime Minister Mehdi Bazargan and other Iranian officials asked US embassy personnel for information on ethnically based uprisings that threatened the new Islamic regime. It culminated when a CIA officer gave two briefings that threatened the new Iranian leaders that Iraq was making preparations for a possible invasion. It ended abruptly in November 1979, when radical Islamist students at the US embassy in Tehran, Iran's leaders did not heed the US warning and entirely unprepared for the Iraqi invasion of September 1980, which had a devastating impact.

October 1979, a CIA officer gave two briefings in Tehran to top officials in the government of Prime Minister Mehdi Bazargan. The main themes of these briefings were that Iraq was making preparations for a possible invasion of Iran and that they would use a US-built electronic surveillance system to monitor and counter these operations. These briefings were the culmination of months of discussion between governments about sharing intelligence on matters of mutual interest. This intelligence exchange was cut short by the seizure of the US embassy in Tehran and radical Islamist students on November 4, 1979, which severely disrupted US-Iran relations and led Bazargan to resign. The Bazargan government did not inform its successor of the US warning. Iraq did, indeed, invade Iran in September 1980, starting an 8-year war that devastated both countries and transformed the region.

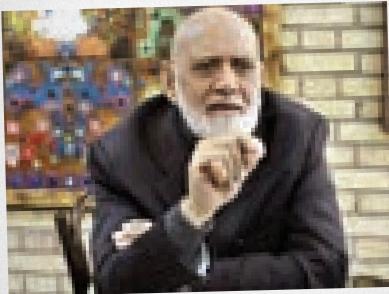
This article explains the events that led up to these briefings and the details of the briefings themselves — topics that have not been covered adequately in the many published accounts of US-Iran relations in this period.¹ It is based mainly on classified documents published by the students who seized the US embassy and discussions with key US and Iranian officials, including all four participants in the October briefings at Louisiana State University, Baton Rouge, and the Institute of Peace, The

Mark Gasiorowski is a professor in the Department of Political Science at Louisiana State University. Some of the research for this paper was funded by a grant from the US Institute of Peace. The author is especially grateful to George Cave and the other interviewees cited below.

1. James A. Bill, *The Eagle and the Lion* (New Haven, CT: Yale University Press, 1988), pp. 290–293; and Babak Ganji, *Politics of Confrontation* (New York: Palgrave Macmillan, 2006), pp. 142–146, give sketchy accounts of these events but omit many key details, including the theme paper of the October briefings. The briefings are mentioned briefly in Mark J. Gasiorowski, "The Nuzhni Plot and Iranian Politics," *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 34, No. 4 (November 2002), p. 662; and Malcolm Byrne, "The United States and the Iran-Iraq War: The Limits of American Influence," in Max Gudzenko and Bruna Bagnato, eds., *The Globalization of the Cold War* (London, Basingstoke, 2010), pp. 119–136. Some US and Iranian newspaper articles (cited below) provide a detailed account, but no other account even mentions these events.

MIDDLE EAST JOURNAL ★ VOLUME
DOI.ORG/10.3751/66.4.13

Power and Principle (New York: Farrar, Straus & Giroux, 1970), pp. 258-275. On the Tack-
ing of the Line of the Imam Khomeini, see also Danelashyan's *Prize-Khatam*, 1970.



شمس اردکانی پس از انقلاب سفیر ایران در کویت بود. او و عایی که سفیر ایران در عراق شد با مخالفان حکومت صدام نیز بقططه بودند.

پاسخ درودیان

پس از گفتگوی یزدی، درودیان به یزدی پاسخ داد: پاسخی که بخشی از آن می‌توانست پاسخ گازیبوروسکی هم باشد. درودیان به مصاحبه‌ی یزدی اشاره کرد و گفت: «شما در این گفتگو مدعی هستید پیش از ملاقات با کیو، اقدامات یاد شده از سوی آقای آهنگان

نجام شده و این ملاقات

محمد درودیان از راوایان دفتر
سیاسی سپاه در سال‌های
جنگ و مطرح‌ترین و پرکارترین



TONS IN EARLY 197

raq, 1930-1980," in Lawrence G. Potter and
"National Intelligence Estimate 36.2-1.7-
DC_0001115785/DOC_0001115785-1

متن مقاله‌ی منتشرشده‌ی
مارک جی گازپوروسکی در ژوئن
سیدل ایست به تاریخ پاپیز ۲۰۱۴
اکنش ابراهیم بزدی را در پی داشت.

روایت نزدیک

پس از سال‌ها میان امیرانتظام و یزدی نیز درباره ارزش اطلاعات کیو اختلاف نظر وجود دارد. امیرانتظام در گفتگو با بی‌بی‌سی می‌گوید که آمریکایی‌ها «در مورد عراق گفتند دولت عراق سپاه خود را از مغرب آورده به طرف مشرق در مژ ایران قرار داده و احتمالاً خیال حمله به ایران را دارد... من فکر کردم در شرایطی که اوضاع خیلی قمر در غرب و بلبشوست، صدام به ایران حمله خواهد کرد، ولی یزدی معتقد بود صدام این کار را نخواهد کرد. به همین دلیل اختلاف بین ایشان و من وجود داشت». عباس امیرانتظام می‌گوید که اطلاعات دریافتی از آمریکایی‌ها را به شخص نخست وزیر منتقل می‌کرده است. به گفته‌هی او: «آقای بازرگان در تماس‌هایی که با آقای خمینی داشت این اطلاعات را به ایشان منتقل می‌کرد.»

مهندس بازرگان چندیباری استعفا داده بود اما این بار وقتی پس از ماجراهی گروگان گیری استعفا داد امام پذیرفت و پایان دولت موقت فرا رسید.



سطرهای ناخوانده

سال ۹۳ در برنامه‌ی سطرهای ناخوانده، امیر شمخانی، از فرماندهان ارشد سپاه در جنگ، گفت که برای پرسش به ابهامات جنگ فردی را نزد اعضای نهضت آزادی از جمله ابراهیم بیدر فستاده است. پس از این سخنان بیدر هم درباره‌ی ادعاهای گازیورووسکی و هم درباره‌ی ادعای شمخانی موضع گرفت. بیدر گفت مدت‌ها پیش از رسیدن اطلاعات کبو، در اسفند ۵۷ جنگ را پیش‌بینی کرده بودند و فعالیت‌های دیپلماتیک برای جلوگیری از جنگ را در پیش گرفته بودند؛ «ما موافق دخالت ارتش و اعزام نیروی نظامی به مرز نبودیم. به آقای مهندس بازرگان گفتم ارتش ایران از انقلاب شکست خورده است، هنوز هم تصفیه نشده است. مانندی دانیم که در ارتش چه خبر است. اگر شما به ارتش مأموریت دهید به کردستان بروید، چه سعادت‌آفرین جنگ با عراق پیروز شود، اما به عنوان ارتش جمهوری اسلامی بیاید و مدعی انقلاب شود؟ ارتش

صحبت‌های سردار علی شمخانی در تلویزیون، واکنش و توضیحات ابراهیم بیزدی را در پی داشت.

